



The principle of innocence has the right not to be punished

Atefeh Ehsanizadeh¹✉
Amir Pirahmadian²
Seyed Massoud Yathrebi³

Received: 2021/04/23
Date of acceptance: 2021/06/26
Article Type: Research

Abstract

Field and Aims: One of the main problems of the penal system in Iranian law is the lack of attention to the principle of innocence in teaching - which in Iranian jurisprudence guarantees the rights of individuals to illegal punishments and trials. Therefore, in this study, according to Article 37 of the Constitution and other principles of the Constitution, which has left the principle on the innocence of individuals, the author seeks to answer the questions that arise in this case by examining the provisions of legal documents on the subject. Including that; What effect does the principle of innocence have on the punishment and the type of punishment of individuals? And whether the above-mentioned principle is observed in Iranian law and the courts or not?

Methodology: The present study, according to the judicial system in Iranian law according to the descriptive and analytical method and following the works of domestic law thinkers on the subject and using the method of library collection and Internet data is used to not infringe on the rights of individuals in court proceedings.

Findings: In this study, while analyzing the position of the principle of innocence in the science of the principles of jurisprudence, the principle of innocence in legal laws has been explored as a right not to be punished. And it has a punitive nature because in teaching it is the principle of innocence of individuals so that no person is punished for no reason and in the shadow of the principle of innocence, the human dignity that God has entrusted to all human beings equally is preserved.

Conclusion: The principle of innocence, which is the right not to be punished and has a direct impact on the stability of society and the preservation of human dignity and human dignity, is not properly observed in the trial and its place in the Iranian penal system has been neglected.

Keywords: principle of innocence, right not to be punished, practical principles of jurisprudence, penal laws, human dignity.

¹. Master of Criminal Law and Criminology, University of Science and Culture, Tehran, Iran. (Responsible author)
Azar63ehsani@gmail.com

². PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran. Amir1.pirahmadian@gmail.com

³. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran.
yasrebimasod@yahoo.com

اصل برائت حقی بر مجازات نشدن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

عاطفه احسانی‌زاده^۱

امیر پیراحمدیان^۲

سید مسعود یثربی^۳

چکیده:

زمینه و هدف: از عمده مشکلات نظام کیفری در حقوق ایران، عدم توجه به اصل برائت در دادرسی می‌باشد که در حقوق فقهی ایران این موضوع تضمین‌کننده حقوق افراد برای مجازات‌ها و دادرسی‌های غیرقانونی است. لذا در این پژوهش با توجه به اصل ۳۷ قانون اساسی و سایر اصول قانون اساسی که اصل را بر برائت افراد گذاشته است، نگارنده در پی این موضوع است تا با بررسی مفاد اسناد حقوقی پیرامون موضوع به سؤالاتی که در این مورد وجود می‌آید پاسخ دهد از جمله اینکه؛ اصل برائت چه تاثیری بر مجازات و نوع مجازات افراد دارد؟ و اینکه آیا در حقوق ایران اصل مزبور در مجاری قانون و محاکم رعایت می‌گردد یا خیر؟

روش‌شناسی: پژوهش پیش رو، با توجه به نظام دادرسی در حقوق ایران مطابق روش توصیفی و تحلیلی و با تتبع از آثار اندیشمندان حقوق داخلی پیرامون موضوع و با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ای و داده‌های اینترنتی بهره گرفته می‌شود تا به حقوق اشخاص در مناسک دادرسی اجحاف نگردد.

یافته‌ها: در این پژوهش، ضمن واکاوی جایگاه اصل برائت در علم اصول فقه به کاوش اصل برائت در قوانین حقوقی به‌عنوان حقی بر مجازات نشدن پرداخته شده است و یافته‌ها حاکی از این است که اصل برائت جایگاه مشخصی در نظام فرا تقنینی ایران و در سایر قوانین مخصوصاً قوانین دادرسی و ماهوی جزایی دارد زیرا در دادرسی اصل بر برائت افراد است تا هیچ شخصی بی‌دلیل مجازات نشود و در سایه اصل برائت، کرامت انسانی که خداوند برای تمام افراد بشر آن را به‌طور یکسان به ودیعه نهاده است محفوظ بماند.

نتیجه‌گیری: اصل برائت که حقی برای مجازات نشدن می‌باشد و تأثیری مستقیم بر ثبات جامعه و حفظ حرمت اشخاص و کرامت انسانی افراد دارد به درستی در دادرسی رعایت نمی‌شود و جایگاه آن در نظام کیفری ایران مغفول مانده است.

واژگان کلیدی: اصل برائت، حق بر مجازات نشدن، اصول عملیه فقهی، قوانین جزایی، کرامت انسانی.

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Azar63ehsani@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران.
Amir1.pirahmadian@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران.
yasrebimasod@yahoo.com

مقدمه



دوره اول / شماره ۱ / زمستان ۱۳۹۹ - نویسنده گان: عاطفه احسانی زاده، امیر تیمر احمدیان، سید مسعود پیرمی

نظام دادرسی عادلانه همانگونه که از نام آن پیداست باید طرق عادلانه را پیموده تا حقی از کسی ضایع نگردد. اما با عنایت به حجم سنگین پرونده‌های موجود در محاکم این امکان برای قضات فراهم نمی‌آید تا به صورت عادلانه پرونده‌ها را مورد رسیدگی قرار دهند. لذا در این بین مشاهده می‌شود که جایگاه اصل براءت در رسیدگی‌ها و حتی در مناسک قانونی مورد خدشه قرار گرفته است که نگارنده بیان دارد این موضوع را مورد بررسی و تدقیق قرار دهد. موضوع حاضر ضمن بیان «جایگاه اصل براءت در نظام کیفری ایران» مسئله حق بر مجازات نشدن افراد را مورد تحلیل قرار داده است چراکه اگر اصل براءت به درستی در محاکم کیفری رعایت نگردد جامعه در مسیری قرار می‌گیرد که هر عملی ممکن است باعث خدشه‌دار شدن کرامت انسانی افراد و محکومیت به ناحق ایشان گردد و دادگاه که تنها پناهگاه مظلومان و مأمین اجرای عدالت است به دلیل یکنواختی و بروز کسالت در کار و دچار روزمرگی شدن قضات در مسیری ناصواب قرار گیرد و اصلی بدیهی همچون اصل براءت را فراموش کند و در این پژوهش به حل این مسئله پرداخته شده است. مسأله‌ی مهمی که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد در این است که قانون چه سازوکارهایی برای تأمین اصل براءت در نظر گرفته است و این سازوکارها آیا در اجرا و در مرحله‌ی دادرسی مورد نظر مجریان قانون و محاکم می‌باشد و یا خیر؟ مسأله‌ی دیگری که در این پژوهش مورد اذعان قرار می‌گیرد این است که سازوکارهای اجرایی و تقنینی در این رابطه آیا تکافوی این اصل را در نظام دادرسی عادلانه می‌نماید یا خیر؟ در قانون مجازات اسلامی با تبعیت از فقه و قانون اساسی پیرامون اصل براءت آمده است که اصل مزبور در قوانین آیین دادرسی کیفری و همینطور سازوکار آن در قانون حمایت از شهروندان نیز به تصویب قانونگذار رسیده است. حفظ کرامات انسانی در متون دینی نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد که در متون قانونی نیز شکل و اهمیتی ویژه یافته است. بنابراین نگارش پژوهش از این حیث ضرورت دارد که اصل مزبور از اصولی است که هم حافظ امنیت و هم حافظ شأن انسانی افراد داخل در جامعه می‌باشد. لذا در رسیدگی در مرحله‌ی صدور حکم و همچنین در مرحله اجرای حکم نیز حفظ آزادی‌های افراد مورد حمایت قرار گیرد. آزادی اشخاص شامل منع دلیل تراشی و منع بازداشت و منع تفحص بی‌جهت و همچنین مواردی از این قبیل می‌باشد. این موارد و مواردین چینی می‌تواند سبب و ضرورت پژوهش را فراهم آورد. از لحاظ مبنایی نیز اگر در پرتو اصول عقلی بپذیریم که هر عملی برای انجام نیازمند توجیه است مجازات که یکی از شدیدترین واکنش‌های جامعه علیه شهروندان است از مهمترین مسأله‌ی است که نیازمند توجیه و چرایی اجرا است. وانگهی همواره به جای توجه به مبانی مداخله به اهداف مداخله پرداخته شده و تلاش گردیده است از دریچه اهدافی مانند

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم شناختی

پلیس



سزاده‌ی، بازدارندگی و اصلاح و درمان مداخله کیفری توجیه شود. اما نکته‌ی حائز اهمیت که نگارنده را مجاب به نگارش این پژوهش کرده‌است، دغدغه‌ی اهمیت دادن به حرمت‌های انسانی است که گاهاً در رابطه با متهمان و افراد مورد تعرض قرار گرفته است و می‌گیرد که امید است ابزارها و نهادهایی برای حفظ بیشتر حقوق افراد در جامعه مورد وضع و اجرا گردد و همچنین نهادهای نظارتی که اجرای قانون را مورد نظارت قرار دهد.

الف. ادبیات تحقیق

اصل برائت در قوانین و در اجرا به دو قسم تقسیم می‌گردد: اول در قسمت قانون‌گذاری به نوعیت این مفهوم پرداخته می‌شود بدون در نظر گرفتن شخص یا فرد یا جامعه‌ی خاصی وضع می‌گردد اما در مرحله‌ی اجرا به فرد فرد جامعه توجه می‌شود و در مرحله‌ی اجراء دادگستری و نهادهای اجرایی از جمله نیروی انتظامی (ضابطین عام و خاص) و سایر نهادهایی که زیر نظر دادگستری خدمت می‌کنند باید در این رابطه آموزش‌های لازم را ببینند. عده‌ای اصل برائت را در مرحله وضع و قانون‌گذاری مورد بررسی قرار داده‌اند (اردبیلی و سرمست، ۱۳۸۷: ۶۵) اما این اصل نه تنها در مرحله وضع کاربرد دارد در مرحله دادرسی نیز کاربرد اساسی دارد لذا در رابطه با ایجاد حق برای مزاحمت ساکت می‌باشد. عده‌ای دیگر به بررسی تاریخی این اصل پرداخته‌اند و آن را از این زاویه مورد بررسی و تدقیق قرار داده‌اند و معتقدند که این اصل در نهاد بشر نهفته است (اکبری رومنی، ۱۳۸۷: ۶۲) و از مجاری عدالت می‌گذرد و به خودی خود انسان‌ها طالب آن هستند و در متون دینی نیز رسوا کردن انسان‌ها کاری شایسته نمی‌باشد و حتی از صفات زیبای پروردگار ستارالعیوب بودن است و تا زمانی که خلاف و جرمی به طور قطع متوجه شخصی نمی‌باشد نباید فرد را مورد آزار و اذیت قرار داد. اما در قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با این اصل سازوکارهایی طراحی شده است که از جمله آن تصویب قانون در رابطه با حفظ کرامت‌های انسانی می‌باشد که می‌تواند اجرای درست آن در اجرای عدالت نقش مؤثری داشته باشد (خالقی، ۱۳۹۶: ۲۶۴). در رابطه با موضوع پژوهش پیش رو، به عبارتی در رابطه با اصل برائت پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است اما عمده بحث در رابطه با جایگاه اصل برائت بوده است و در هیچ کدام از تحقیقات صورت گرفته از اصل برائت به عنوان حقی بر مجازات نشدن یاد نشده است، لذا تحقیق مزبور فاقد پیشینه از این لحاظ می‌باشد زیرا دغدغه‌های نگارنده در هیچ یک از پژوهش‌های مزبور مورد ارزیابی قرار نگرفته است و از این حیث پژوهش حاضر دارای نوآوری است. نگارنده در این رابطه به نوع و کیفیت این اصل پرداخته است و به اجرا و توزین عدالت‌نگاهی ویژه داشته است که در پژوهش مزبور توجهی ویژه بدان شده است. لذا درباره اصل برائت در گذشته تاکنون کتابها

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم‌شناختی

پلیس



و مقالات و پایان نامه‌های مختلفی به چاپ رسیده است که در ادامه اجمالاً به معرفی برخی از آنها پرداخته شده است.

ب. پیشینه تحقیق

اکبری رومنی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «**اصل برائت در گذار تاریخ**» به بررسی تاریخی اصل برائت پرداخته شده است و این عنوان مهم در همین حد مورد پژوهش قرار گرفته است ولی در مقاله حاضر نه تنها از تاریخچه اصل برائت سخن به میان آمده است بلکه به جایگاه اصل برائت در دادرسی به عنوان اصلی برای مجازات نشدن پرداخته شده است.

موحدی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «**ماهیت برائت در فقه و حقوق**» به اصل برائت در فقه و جایگاهش در قانون و کاربرد آن در دادرسی پرداخته است و آن را در همین حد به مخاطب معرفی نموده ولی در پژوهش حاضر ضمن انجام این امر به نقش اصل برائت در حفظ کرامت انسانی و مجازات نشدن افراد پرداخته شده است.

۱. مبانی نظری اصل برائت در فقه

اصل برائت توسط اسلام از طریق قاعده قبح عقاب بلا بیان و قاعده درأ بوجود آمد و به موجب این اصول، انسانها از مصونیت و تامین اجتماعی کافی برخوردار شدند و برای نخستین بار حقوق افراد در حصار مستحکم تحت محافظت قرار گرفت و از جانب حکومت و قوای عمومی تضمین شد. با توجه به اینکه اصل برائت یکی از اصول عملیه است و اصول عملیه هنگام شک در واقعیت موجود مورد استفاده قرار می‌گیرد در نتیجه هرگاه در پیدایش موضوعی شک کردیم که آیا واقعاً به وجود آمده یا نه. برای رفع تحیر به حکم ظاهری عمل می‌کنیم یعنی موضوع معینی نسبت به مشکوک، مصداق ندارد و به عبارت دیگر: اصل برائت «فقدان عمل برهم‌زننده وضع سابق می‌باشد» مثلاً می‌دانیم که سرقت جرم است و سرقتی هم واقع شده است و شخصی هم به عنوان متهم به دادگاه احضار شده است و لکن دلایل اثباتی جهت انتساب جرم به او موجود نیست از طرفی متهم شدیداً منکر قضیه است لذا حکم بر برائت وی صادر می‌گردد.

منظور از حکم ظاهری عمل به اصل می‌باشد که صرفنظر از واقعیت امر به ظاهر حکم داده می‌شود در امور جزائی وقتی کسی مظنون به ارتکاب جرمی می‌شود و پس از آنکه تحت تعقیب و دادرسی قرار می‌گیرد تقدم حکومت اصل برائت حامی و پشتیبان اوست قاضی در شروع به دادرسی متهم را به صورت یک جنایتکار نگاه نمی‌کند بلکه او را فردی پاک و بی‌گناه می‌داند و معتقد است در امور جنائی اصل بر برائت می‌باشد.

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم‌شناختی

پلیس



۱-۱. برائت عقلی

برائت عقلی عبارت از حکم عقل به عدم مجرمیت و عدم استحقاق عقاب نسبت به کسی که جرم او ثابت نشده است بنابراین چنانچه شخصی به جرمی متهم باشد و دلایل اثباتی علیه او وجود نداشته باشد عقل و وجدان بر تبرئه آن شخص و عدم ترقب هرگونه مجازاتی حکم عقل و وجدان بر تبرئه آن شخص و عدم ترتب هرگونه مجازاتی حکم می‌کند. به عبارت دیگر برائت عقلی حکم عقل به فقدان عملی برهم‌زننده وضع سابق می‌باشد. زیرا هرکس پاک و منزه متولد می‌شود و دور از هرگونه تخلف زندگی شرافتمندانه خود را آغاز می‌کند، همه پاکند و اصل طهارت است. پس هرگاه ادعا شود که کسی مرتکب تخلفی از نظامات و قوانین شده، به حکم عقل پاکی و طهارت سابق او استصحاب می‌شود و اصل برائت ظاهر می‌گردد و مادام که با ارائه دلایل قاطع آن تغییر حالت سابق به ثبوت نرسد نمی‌توان به متهم با دید مجرمیت نگاه کرد.

۱-۲. برائت شرعی

برائت شرعی، زمانیست که حکم شارع به برائت ذمه مکلف، نسبت به تکلیف مشکوک، بعد از فحص از دلیل، شک او در تکلیف واقعی بر طرف نگردد لذا هر زمان که حکم واقعی بر مکلف مجهول بماند، شارع با جعل حکم ظاهری، اباحه ظاهری آورده و تکلیف را بر می‌دارد. فرق برائت شرعی با برائت عقلی در سند آن است چرا که برائت شرعی از حدیث رفع برخاسته است و برائت عقلی از قاعده قبح عقاب بلایان اما خصوصیاتش این است که برائت عقلی و برائت شرعی فقط با اسم فرق می‌کند.

۱-۳. قاعده قبح عقاب بلایان

قاعده قبح عقاب به لایان، از قواعد عقلی و مبتنی بر پذیرش حسن و قبح عقلی است و مفهوم آن این است که کیفر کردن شخصی که از جانب شارع و مولا بیانی بر تکلیف، به وی نرسیده، در نزد عقل زشت و ناپسند است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۸ق:۵۱۳). بنابراین، مورد عمل به قاعده، درجایی است که یا اصلاً بیانی از جانب مولا خطاب به عبد، صادر نشده، و یا اگر صادر شده، به وی نرسیده است و او در نرسیدن آن مقصر نیست (حیدری، ۱۴۱۲ق:۲۱۷).

همچنین مشهور اصولی‌ها دلیل اصلی برائت عقلی را قاعده قبح عقاب بلایان می‌دانند (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۶ق:۱۹۰) به نظر برخی صاحب‌نظران میان قاعده دفع ضرر محتمل و قبح عقاب بلایان تعارضی وجود ندارد، زیرا قاعده قبح عقاب به لایان درجایی جاری می‌شود که عبد به وظیفه خود عمل نموده و تفحص و جستجو کرده، اما به دلیلی دست نیافته است، درحالی که قاعده دفع ضرر محتمل حتی درجایی که عبد به وظیفه خود عمل کرده و جستجو هم نموده، جاری



است؛ از این رو، قاعده قبح عقاب به لایبان بر قاعده دفع ضرر محتمل وارد است. راه‌های دیگری نیز برای رفع تعارض بیان شده است (ولایی، ۱۳۸۷: ۲۵۰). بنابراین، مورد عمل به قاعده، در جایی است که یا اصلاً بیانی از جانب پروردگار خطاب به بنده‌اش، صادر نشده، و یا اگر صادر شده، به وی نرسیده، و او نیز در نرسیدن آن مقصر نیست. آیه ۵۹ سوره قصص - را می‌توان مؤید این قاعده دانست:

«وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رُسُلًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ»؛

ترجمه: خداوند منطقه‌ای را نابود نمی‌کند، مگر آنکه پیامبری برای آنان بفرستد تا آیات ما را بر آنان بخواند و ما منطقه‌ای را نابود نمی‌کنیم، مگر آنکه ساکنانش ستم کار باشند.
آیه ۱۱۵ سوره توبه: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

ترجمه: و خدا بعد از آنکه قومی را هدایت کرد دیگر گمراه نکند تا بر آن‌ها آنچه را باید از آن بپرهیزند معین و روشن بیان کند، که خدا محققاً به همه چیز داناست.

آیه ۱۵ سوره اسراء نیز به همین واقعیت اشاره می‌کند: مَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا.

ترجمه: هر کس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود یافته، و هر که به گمراهی شتافت آن هم به زیان و شقاوت خود شتافته، و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد، و ما تا رسول نفرستیم (و بر خلق اتمام حجت نکنیم) هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد. این آیات نشانگر آن است که مجازات تنها زمانی خواهد بود که یا خداوند، دستوراتش را توسط فرستادگانش ابلاغ کند و یا آنکه ظلم و ستم به گونه‌ای باشد که هر انسان عاقلی قبح آن‌ها درک کند. با این توضیح اصل برائت از دیدگاه دانشمندان اصول فقه دو قسم است:

۴-۱. قاعده درأ

به موجب این قاعده اعمال مجازات در مواردی که وقوع جرم موضوعاً و کلی یا انتساب آن به متهم محل تردید است منتفی می‌باشد و در مجازات فرقی بین شبهات موضوعیه و حکمیه وجود ندارد. مستند فقهی این قاعده «أدروا الحدود بالشبهات» می‌باشد که به صورت مختلف در کتب حدیثی شیعه و سنی روایت شده است. بنابراین اگر تردید کردیم عملی جرم است یا نه بنابراین قاعده می‌توان حکم کرد که عمل مذکور جرم نیست البته در این که قاعده درأ می‌تواند مستند این اصل قرار گیرد تردید است زیرا این قاعده در مورد سقوط حد در موارد شبهه است و اصل قانونی



بودن عام است و این قاعده خاص است و خاص را نمی توان به مسئله عام حمل کرد. به اصل عدم نیز می توان استناد کرد می توان گفت آنگاه که در جرم بودن یا نبودن عملی تردید کردیم بنابر اصل عدم و اباحه حکم بر این می کنیم که این عمل جرم نیست.

یافته ها

۱. مقایسه اصل برائت با سایر اصول

الف: فرق بین اصالت الطهارة و اصالت البرائة عبارت است از: اصالت الطهارة فقط در باب طهارت جاری می شود، اما اصالت البرائة در تمام ابواب فقهی جریان دارد.

ب: اصالت الطهارة مورد تأیید و قبول تمامی اصولیون و اخباری ها است، اما برخی منکر اصالت البرائة هستند و به همین سبب، اصالت الطهارة در اصول عملی بحث نشده است.^۱

الف) مقایسه اصل برائت و اصالة البرائة

اصل برائت را نباید با (اصالة البرائة) مترادف و یکسان دانست. بحث اصالة الاباحه^۲ در پاسخ به این سؤال مطرح می شود که قاعده اولیه درباره انجام کارها چیست. در این باره چند نظریه متفاوت ارائه شده است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۷۳).

نظریه اول: برخی از علما اصل در اشیاء را (منع) و (حظر) دانسته اند و معتقدند چون همه مخلوقات، از جمله انسان، ملک خداوند هستند، انسان نمی تواند هیچ گونه تصرفی انجام دهد، مگر اینکه از سوی شارع به او اجازه داده شود؛ زیرا تصرف در ملک دیگری بدون اذن او عقلاً ممنوع است.

نظریه دوم: گروه دیگر اصل را (اباحه) و (جواز) دانسته اند و معتقدند تا زمانی که نهی و منعی از سوی شارع نسبت به عملی صادر نشده باشد، انجام آن کار مباح و مجاز خواهد بود؛ زیرا حکمت الهی اقتضا دارد که خلق اشیاء به منظور استفاده و انتفاع افراد از آن صورت گرفته باشد.

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: کفایة الاصول، ص ۳۸۵. و ۲- الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة، ص ۳۵۱ و ۳- فوائد الاصول جلد ۳، ص ۳۹۶ و ۳۸۹ و ۳۲۵ و ۴- آشنایی با علوم اسلامی (جلد ۳) جلد ۳، ص ۵۸ و ۵- قوانین الاصول جلد ۲، ص ۱۳ و ۶- تحریر المعالم، ص ۱۸ و ۷- فرائد الاصول جلد ۱، ص ۳۱۰ و ۸- هدایه المسترشدین فی شرح معالم الدین، ص ۴۴۴ و ۹- منهاج الاصول جلد ۴، ص ۱۴ و ۱۰- آراؤنا فی اصول الفقه جلد ۱، ص ۱۴۶ و ۱۱- المحکم فی اصول الفقه جلد ۴، ص ۱۱ و ۱۲- علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، ص ۲۵۶ و ۱۳- الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثاني جلد ۳، ص ۴۰۷ و ۱۴- الوصول الی کفایة الاصول جلد ۴، ص ۲۴۶ و ۱۵- اصول الفقه جلد ۲، ص ۲۴۱ و ۱۶- بحوث فی علم الاصول جلد ۵، ص ۲۳ و ۱۷- سیری کامل در اصول فقه جلد ۱۰، صص ۶۰۳ و ۶۲۰ و ۱۸- سیری کامل در اصول فقه جلد ۱۱، صص ۵ و ۴۲۵.

۲. جهت کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: سید مرتضی، الذریعه، ج ۲، ص ۸۰۸ به بعد؛ شیخ طوسی، عده الاصول، ج ۲، ص ۷۴۲، مکارم شیرازی، انوار الاصول، ج ۳، ص ۷۴ به بعد.



افزون بر این، در آیات متعددی از قرآن تصریح شده که زمین و آنچه در زمین است برای انسان‌ها خلق شده است. بنابراین، از سوی شارع نسبت به انجام چنین تصرفاتی اجازه وجود دارد (همان، ۷۳).

نظریه سوم: برخی نیز نه اصله الاباحه را پذیرفته‌اند و نه اصله الحذر را بلکه قائل به توقف شده‌اند (شیخ طوسی، بی تا: ۷۲۲)

ب) مقایسه اصل برائت و اصله الاباحه

اولاً: اصله الاباحه بیانگر حکمی واقعی است، درحالی که اصل برائت تنها مفید حکمی ظاهری است که در فرض جهل و شک درباره حکم واقعی، وظیفه عملی و ظاهری مکلف را روشن می‌کند و او را در مقام عمل از تحیر خارج می‌سازد.

ثانیاً: با استناد به اصله الاباحه تنها می‌توان تکلیف تحریمی و ممنوعیت عمل را منتفی دانست، درحالی که به کمک اصل برائت هم تکلیف تحریمی مشکوک مرتفع می‌شود و هم تکلیف وجوبی مشکوک. به تعبیر دیگر، کاربرد اصل اباحه تنها در شبهات تحریمی است. اما اصل برائت هم در شبهات تحریمی کاربرد دارد و هم در شبهات وجوبی (شیخ انصاری، ۱۳۸۳: ۲۴۶-۲۴۵).

پ) مقایسه اصل عدم با اصل برائت

همه چیز از عدم به وجود و از نیستی به هستی آمده است. برای اثبات عدم نیازی به دلیل و برهان نیست و این اثبات وجود چیزی است که محتاج دلیل است. این مطلب بدیهی و روشن حکمی عقلی است و آن را بدین بیان خلاصه کرده‌اند که: اصل، عدم چیزی است تا وجودش ثابت شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۳۰۰).

شبهات این دو اصل بسیار است تا بدان حد که توهم می‌رود هر دو اصل یک مفهوم دارند. زیرا این مطلب: «اصل، عدم چیزی است تا وجودش ثابت شود.» که تعریف اصل عدم است، مثل این است که می‌گوییم: اصل برائت از تکلیف است تا وجود آن ثابت شود. ولی با قبول وجود شبهات زیاد بین این دو اصل توهم یکی بودن آن‌ها، با بیان فرقه‌هایشان، رد می‌کنیم. فرقه‌های اصل عدم و اصل برائت (قافی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

۱- اصل برائت در خصوص تکلیف است، ولی اصل عدم اعم است از اینکه تکلیفی مورد بحث باشد یا موضوعات بدون تکلیف.

۲- اصل برائت درجایی بکار می‌رود که تکلیفی در مرحله واقع وجود داشته باشد ولی دلیلی برای احراز و پی بردن به آن نداشته باشیم و در مقام عمل و در مرحله ظاهر برای معافیت از الزام و



تکلیف و کیفر و آثار دیگر تکلیف بنا را بر نبودن آن بگذاریم. درحالی که اصل عدم اعم است از مرحله واقع و مرحله ظاهر.

برخی نسبت بین این دو اصل را عموم و خصوص مطلق گفته‌اند. اصل عدم را عام و اصل برائت را خاص دانسته‌اند. این گفته را با دو فرق مذکور به خوبی می‌توان توجیه کرد (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۶۰).

۳- اصل عدم، به شرحی که گذشت، اصلی است عقلی و از مستقلات عقلی است و اصل برائت اصلی است شرعی. مگر اینکه دلیل آن را «قاعده قبح عقاب به لایبان» که قاعده‌ای است عقلی بگیریم که در این صورت اصل برائت نیز اصلی عقلی خواهد بود.

۲. اصل برائت در حقوق

۱-۲. قلمرو اصل برائت و مستثنیات آن

اصل برائت که مبین و متضمن کرامت انسانی و حقی بر مجازات نشدن افراد است، ضمن حسن نیت به رفتار اجتماعی دیگران و پرهیز از بدگمانی و سوءظن به افراد و احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم نمی‌شود؛ بلکه مرحله تحقیقات مقدماتی پلیس و نیروی انتظامی، مرحله تعقیب و کشف جرم در دادسرا را نیز دربر می‌گیرد. اگرچه عدالت حقوقی اقتضاء می‌نماید که در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد؛ اما در موارد خاصی مصالح عمومی ایجاب می‌کند که اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم گردد. در این صورت، روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل می‌گردد. عدول از اصل برائت عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که:

اولاً: ارتکاب جرم موجب صدمه شدیدی به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد.

ثانیاً: اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی، امکان‌پذیر نباشد.

عدول از این اصل در دو حوزه کیفری زیر بیشتر دیده می‌شود:

الف) حوزه جرائم علیه امنیت

به سبب اهمیت امنیت داخلی و خارجی کشورها، معمولاً در صورت وجود ظن قوی به ارتکاب جرم از سوی متهم در جرائم علیه امنیت، اصل برائت نادیده گرفته می‌شود. در ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌خوانیم: هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب



جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر این که ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است اصل بر آن است که متهم از اهداف جمعیت یا دسته اطلاع داشته و اثبات خلاف آن بر عهده متهم است.

ب) ثروت‌های مشکوک

بر اساس مواد ۴ و ۵ و بندهای ۴ و ۵ و ۶ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ تمام اموال قاچاقچیان مواد مخدر به جز هزینه تأمین زندگی متعارف صادره خواهد شد. در اینجا اماره مجرمیت به‌طور مطلق و به‌صورت اماره‌ای غیرقابل رد، حاکم می‌باشد (سر مست بناب، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۲).

۲-۲. اصل تساوی سلاح‌ها یا موازنه قوا

از آنجاکه در فرایند دادرسی کیفری مقام تعقیب‌کننده به‌عنوان مدعی‌العموم (طرف دعوا) در برابر متهم، از اقتدار خاصی برخوردار است و به‌راحتی می‌تواند از قوای عمومی و سایر تضمین‌های لازم استفاده نماید و طرف دیگر دعوا (متهم) در چنین موقعیتی نیست؛ لذا اصل برائت کیفری به‌عنوان یک تضمین برای رعایت اصل برابری سلاح‌ها و ایجاد تعادل و توازن میان طرفین دعوا وضع گردیده است. اصل برائت به‌عنوان مهم‌ترین ضمانت اجرای حقوقی در تأمین و استقرار امنیت جانی و مالی و روحی و روانی انسان‌ها نقش مهمی دارد. اگر به‌جای اصل برائت، اصل مجرمیت حاکم بود و به‌جای مدعی، متهم به ارائه دلیل و نتیجتاً اثبات بی‌گناهی خویش ملزم می‌گردید؛ در آن صورت بسیاری از مردم (بی‌دلیل) ادعای جان و مال دیگران را می‌نمودند و تاروپود نظام زندگی اجتماعی انسان از هم گسیخته می‌شد.

الف) آثار اصل برائت در تشریفات رسیدگی

اصل برائت دارای آثاری است که در واقع رعایت این آثار باعث حاکمیت بخشیدن به آن می‌گردد. مهم‌ترین این آثار که بایستی در سیستم قضایی متبلور گردد به شرح زیر است:

- ۱- الزام شاکی یا دادستان به اثبات اتهام و ارائه دلیل؛
- ۲- منع صدور قرارهای تأمین جز با تصریح قاضی در توجه اتهام و انتساب قرار؛
- ۳- منع صدور قرار بازداشت جز در موارد استثنایی و لزوم توجیه قضایی آن و کنترل آن توسط مرجع مافوق؛
- ۴- ضرورت تفسیر مضیق قوانین و توسل به اصل تفسیر شک به نفع متهم (حاکمیت علم یقینی



در مجرمیت).

- ۵- منع الزام متهم به اثبات بی گناهی خود.
- ۶- اصل صراحت و شفافیت در دادرسی و استثناء در رسیدگی تفتیشی.
- ۷- منع توسل به روش‌های غیرقانونی و مخفیانه جهت تحصیل دلیل.
- ۸- الزام دادگاه‌ها به اخذ آخرین دفاع متهم.
- ۹- حاکمیت اصل سیستم دلایل قانونی و تشریفات رسیدگی و اعطای اختیار ارزیابی اعتبار دلایل قانونی مبتنی بر سیستم اقناع وجدان قاضی.
- ۱۰- بطلان دادرسی در صورت توسل به شیوه‌های غیرقانونی جهت تحصیل دلیل.
- ۱۱- ممنوعیت اعلام و انتشار اتهام انتسابی به صورت عمومی و در فرض انتشار اتهام، الزام به انتشار دفاعیات آن.

ب) آثار اصل برائت در حقوق دفاعی متهم

- ۱- حق تفهیم اتهام در اولین ساعات انتساب اتهام یا بازداشت؛
- ۲- حق برخورداری از سکوت در ازای اتهامات وارده؛
- ۳- حق برخورداری از وکیل در اولین ساعات دادرسی در کلیه محاکم؛
- ۴- عدم نیاز اثبات بی گناهی توسط متهم؛
- ۵- حق دادرسی به پرونده اتهامی و اطلاع از کلیه دلایل تحصیل شده علیه او؛
- ۶- حق برخورداری از شرایط، امکانات و فرصت کافی جهت معرفی وکیل؛
- ۷- حق برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی قبل از صدور یک حکم قطعی و لازم‌الاجرا؛
- ۸- حق اعتراض به قرارها و احکام صادره قبل از قطعی شدن آن‌ها؛
- ۹- حق ارائه آخرین دفاع در آخرین مرحله دادرسی؛
- ۱۰- لزوم تفکیک سیستم بازداشتگاه‌های موقت از زندان‌ها؛

پ) ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر

این قاعده که ریشه در حقوق اسلامی دارد، بیانگر آن است که تبرئه یک نفر مجرم بهتر از مجازات یک نفر بی گناه (در موارد تردید) است؛ چراکه در صورت تردید، برائت متهم برای جامعه بهتر و از جهت عدالت شایسته‌تر است (سرمست بناب، ۱۳۸۷: ۱۸۱).



۳-۲. جایگاه اصل برائت در قوانین داخلی ایران

نکته قابل توجه در زمینه جایگاه اصل برائت در حقوق ایران این است که در بسیاری از نوشته‌های حقوقی معنای اصولی اصل برائت با معانی دیگر این اصل در حقوق درهم آمیخته و مرز روشنی میان کاربردهای مختلف (اصل برائت) در اصول فقه و حقوق ترسیم نشده است. اصل برائت در قوانین و ادبیات حقوقی ایران نشان می‌دهد که اصطلاح (اصل برائت) دست کم در سه معنای مختلف و البته نزدیک به هم بکار رفته است در اینجا، به تفکیک، به بررسی این سه کاربرد می‌پردازیم:

الف) برائت از تکلیف

در حقوق جزا، هرگاه در جرم بودن عملی تردید یا ابهامی وجود داشته باشد با استناد به اصولی چون اصل قانونی بودن جرم و اصل تفسیر به نفع متهم تردیدها برطرف می‌شوند. به نظر می‌رسد مفاد این اصول را می‌توان با مفاد اصل برائت در اصول فقه مقایسه کرد. همچنین، مواردی را می‌توان یافت که به دلیل تردید در یک تکلیف وجوبی اصل برائت قابل اجراست. برای روشن تر شدن مطلب، به بررسی فروض مختلف مسئله می‌پردازیم.

ب) شک در جرم بودن عمل

به عقیده حقوقدانان، هرگاه در جرم بودن یک رفتار خاص تردید وجود داشته باشد با استناد به (اصل قانونی بودن جرم) می‌توان رفتار مورد نظر را فاقد عنوان مجرمانه دانست و در نتیجه حکم به برائت مرتکب صادر کرد.

پ) اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری

با توجه به قاعده عقلی (قبح عقاب به لایبان) اصل دیگری نیز در حقوق جزا با عنوان (اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری) پذیرفته شده است. به موجب این اصل، اثر قانون نسبت به آینده خواهد بود و بر موضوعاتی که بعد از تصویب قانون مطرح می‌شود، حکومت می‌کند؛ اما نسبت به وقایع و موضوعاتی که قبل از تصویب قانون وجود داشته اثری ندارد، مگر در موارد استثنایی. مستند این اصل در قانون اساسی در اصل ۱۶۹ بدین صورت تصریح شده است: (هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.) و مستند بعدی آن ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که تصریح نموده: (در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات و



اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد.) در همین ماده به مواردی که به سود متهم قانونی وضع بشود اشاره شده که به ماسبق عطف خواهد شد.

ت) شک در قلمرو مفهومی جرم

گاهی متهم مرتکب رفتاری شده است که به دلیل وجود شبهه مفهومی در قانون درباره جرم بودن آن رفتار دچار تردید می‌شویم. به بیان دیگر، به دلیل عدم صراحت و ابهام اجمالی که در قلمرو مفهومی ماده قانونی وجود دارد، در انطباق عنوان مجرمانه بر رفتار مورد نظر تردید داریم برای نمونه می‌توان به جرم ترمرد اشاره کرد (قافی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۹۵).

بر اساس ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات چنین عنوان شده، هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در هنگام انجام وظیفه صورت گیرد ترمرد تلقی شده و برای آن مجازات تعیین گردیده است. حال اگر شک وجود داشته باشد که فرار متهم یا عدم توجه متهم به تعقیب و اخطار مأموران از مصادیق ترمرد به شمار می‌آید یا نه، با توجه به اصل برائت نمی‌توان آن را از مصادیق جرم ترمرد محسوب نمود.^۱

ث) لزوم تفسیر مضیق در مورد قوانین تعیین کننده جرم و مجازات

مفاد این قاعده این است که در مواردی که قانون‌گذار در مقام بیان جرم و تعیین مجازات است اگر مراد او روشن نباشد و نتوان به کمک قواعد کلی محاوره و اصول لفظی (مانند تمسک به مفهوم مخالف و مفهوم موافق، اصاله العموم، اصاله الاطلاق، اصاله الظهور و) مراد قانون‌گذار را بدست آورد و در نهایت شک و شبهه‌ای وجود داشته باشد، قاضی باید قانون را به گونه‌ای تفسیر کند که فقط شامل قدر متیقن و حداقل موارد باشد، یعنی مفهوم و مصداق جرم را حتی الامکان محدود و مضیق کند و آن را کاهش دهد.

مثال: ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ بخش تعزیرات: توهین به مقامات مملکتی را جرم معرفی کرده و برای آن مجازات ۴۵ روز تا ۳ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی تعیین نموده است. اداره کل حقوقی در نظریه خود متذکر شده است: (پخش تراکت‌های اهانت آمیز نسبت به مقامات مملکتی در سایت اینترنتی جرم و مشمول مقررات مربوطه در قانون مجازات اسلامی است لکن ضبط آن در سی دی یا هارد دیسک رایانه مادام که از حریم شخصی ضبط کننده خارج و یا برای دیگران پخش نکرده دارای عنوان جرم نیست). (نظریه شماره ۷/۳۸۹/۲/۸ تاریخ ۸۳/۲/۸) با توجه به این نظریه، ارائه مطالب

^۱ اداره کل حقوقی نیز در نظرات مختلف خود به این نکته تصریح کرده است؛ نظریه ۷/۵۰۵۶ و ۷/۷۸۹۱.



اهانت امیر از طریق رایانه عرفاً از مصادیق توهین محسوب می‌شود؛ اما اگر در مورد جرم بودن ضبط و نگهداری این مطالب تردیدی وجود داشته باشد، با توجه به اصل برائت و قاعده تفسیر به نفع متهم، نمی‌توان این عمل را جرم تلقی کرد.

ج) لزوم تفسیر موسع در قوانین ارفاقی

هرگاه قانون‌گذار در مقام بیان موارد معافیت از مجازات یا تخفیف و ارفاقی برای متهم باشد، باید آن را به صورت موسع و گسترده تفسیر کرد تا موارد آن افزایش یابد. برای مثال، در بحث از عوامل رافع مسئولیت کیفری مانند جنون، اکراه، اضطرار یا علل موجهه جرم مانند دفاع مشروع، هرگاه قانون‌نیز به تفسیر داشته باشد، باید تفسیر موسع صورت گیرد تا در نهایت به نفع متهم باشد.

چ) شک در جزئیات عمل ارتكابی

گاهی متهم عملی را انجام داده ولی به دلیل کافی نبودن ادله موجود، واقع بر ما پوشیده مانده است و تردید داریم که آیا عمل ارتكابی مصداقی از عنوان مجرمانه است یا خیر. در این فرض، قانون‌گذار به روشنی عنوان مجرمانه را در قانون پیش‌بینی کرده است؛ ولی در اثر عوامل خارجی که ارتباطی به مقنن ندارد، زوایای مختلف عمل انجام‌شده برای دادرس پنهان مانده است. در حقیقت، وی با شبهه مصداقیه مواجه است و در مورد انطباق عنوان مجرمانه بر رفتار ارتكابی دچار تردید شده است. برای نمونه به موجب ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ بخش تعزیرات، (هر کس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید، دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند نوشته‌ای را که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از او بگیرد، به حبس از ۴۵ روز ماه تا ۱ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.) هرگاه ثابت شود متهم سندی را که مال دیگری است از او گرفته است؛ اما معلوم نباشد که آن را با اکراه و تهدید گرفته یا اینکه مالک سند، آن را با رضایت و اراده خویش در اختیار متهم قرار داده است، دادرس با شبهه مصداقیه مواجه است زیرا هرچند حکم کلی مسئله معلوم است اما به علت شک در موضوع خارجی، درباره حکم جزئی این موضوع تردید دارد.

ح) شک در تکلیف وجوبی

گاهی درباره ثبوت تکلیف و الزام قانونی تردید می‌شود که با استناد به اصل برائت، حکم به عدم تکلیف داده می‌شود. برای مثال به موجب اصل ۵۱ قانون اساسی هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون بنابراین، هرگاه پرداخت مالیات خاصی که در قانون نیامده باشد مشکوک باشد، حکم به برائت می‌شود. در حقیقت، با شبهه حکمی وجوبی مواجه هستیم که، به عقیده

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم‌شناختی

پلیس



اصولیان، اصل برائت در آن اجرا می‌شود.

۲-۴. اصل برائت به معنای برائت از اتهام و مجازات

در مواردی که انتساب جرم به متهم مشکوک باشد و یا در میزان مجازات تردیدهایی وجود داشته باشد، باید اصل برائت بر مبنای حقی بر مجازات نشدن افراد اجرا شود؛ ولی به نظر می‌رسد مفاد این اصل با آنچه در اصول فقه تحت عنوان اصل برائت مطرح شده تفاوت دارد.

الف) تردید در انتساب جرم به متهم

در هر دادرسی کیفری، دادرس باید مسئله انتساب جرم به متهم را بررسی کند و تشخیص بدهد که آیا جرم مزبور از این شخص سرزده است یا خیر؟ فرض کنید سرقتی اتفاق افتاده است و شخصی را به عنوان دزد دستگیر کرده‌اند. در این صورت، دادرس یا بازپرس خواهد کوشید تا به وسیله ادله اثبات دعوا از جمله؛ شهادت شهود، اقرار و ... و سایر قرائن و شواهد وقوع عمل مجرمانه توسط متهم را احراز کند. اگر ادله معتبر و شواهد یقین آوری وجود نداشته و ارتکاب جرم از سوی متهم مشکوک باشد، به مقتضای اصل برائت، باید متهم را تبرئه نمود چراکه در این موارد حق بر مجازات نشدن افراد لازم الرعایه می‌باشد.

ب) تردید در میزان مجازات

پس از اینکه با مراجعه به قانون، جرم بودن یک رفتار اثبات شود و با توجه به ادله اثبات دعوا انتساب جرم به متهم نیز احراز شد، دادرس برای تعیین مجازات مجرم باید به قانون مراجعه کند. در صورتی که در این مرحله شک و ابهامی در تعیین میزان مجازات وجود داشته باشد، به مقتضای اصل قانونی بودن مجازات، نمی‌توان حکم به مجازات مشکوک صادر کرد. اصل ۳۶ قانون اساسی بیان می‌دارد: (حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد). در چنین مواردی دادرس در مقام تعیین مجازات نسبت به میزانی از مجازات یقین دارد و نسبت به مازاد دچار تردید است. برای مثال: قانون‌گذار برای جرم خاصی مجازات زندان را در نظر گرفته، ولی دادرس به دلیل عدم صراحت قانون، مردد است که باید مجرم را به سه سال زندان محکوم کند یا پنج سال. در اینجا درباره سه سال هیچ تردیدی نیست؛ ولی درباره مازاد بر آن با توجه به اصل قانونی بودن مجازات، باید حکم به برائت داد.

۲-۵. اصل برائت به معنای برائت ذمه از دین

گاهی اصطلاح (اصل برائت) در حقوق مدنی و در روابط میان افراد به کار می‌رود. در این زمینه، دو مورد را می‌توان جداگانه بررسی کرد.



الف) تردید در ثبوت دین

در مواردی که اصل وجود دین و طلبی مشکوک باشد، اصل بر عدم دین است و شخص نسبت به تکلیف پرداخت آن برئ الذمه محسوب می‌شود، مگر آنکه خلاف آن به اثبات برسد؛ یعنی تا زمانی که اصل وجود دین ثابت و قطعی نشده باشد، اصل بر عدم آن است و در نتیجه تکلیفی هم به ادای آن وجود ندارد.

همچنین هرگاه وجود دین مسلم و قطعی باشد؛ اما میزان و مقدار قطعی آن معلوم نباشد و میان مبلغ کمتر و مبلغ بیشتر مردد باشد، مبلغ کمتر که قدر متیقن بدهی است باید پرداخت شود و در مورد مازاد بر این مبلغ، ثبوت دین مشکوک بوده و اصل بر عدم تحقق چنین دینی و برائت از پرداخت آن است. لذا اصولیان این مسئله را تحت عنوان (دوران بین اقل و اکثر) مطرح کرده‌اند و در موارد تردید در میزان بدهی، نسبت به میزان مازاد، اصل برائت را جاری دانسته‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴: ۵۳۶).

ب) تردید در ثبوت ضمان قهری

در صورتی که درباره مسئولیت مدنی شخص و ضمان ناشی از اتلاف مال دیگری یا اضرار به غیر تردیدی حاصل شود، یعنی تحقق ضمان قهری و تعهد خارج از قرارداد مشکوک باشد، اصل بر عدم ضمان است، مگر اینکه ورود خسارت به صورت قطعی احراز شود و این خسارت مستقیماً مستند به عمل آن شخص باشد. بدین ترتیب، فرقی نمی‌کند که سبب ایجاد دین قرارداد باشد یا حکم قانون. همچنین اگر در میزان خسارت تردیدی وجود داشته باشد، پرداخت میزان کمتر که یقینی بوده لازم بوده و نسبت به مازاد آن حکم به برائت ذمه شخص داده می‌شود.

پ) لزوم اثبات دین به وسیله مدعی

از آثار منطقی و عقلی اصل برائت، اصل برائت ذمه و اصل عدم ضمان که در دعوی مطالبات میان افراد، مدعی طلب باید حق خود را اثبات کند و شخصی که علیه او ادعای طلب شده است، نیازی به ارائه دلیل برای اثبات برائت ذمه خود ندارد. اثبات ورود خسارت و انتساب آن به خواننده بر عهده مدعی خسارت و زیان دیده است. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی به این نتیجه مهم تصریح کرده است و همچنین ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی تصریح بر همین مورد دارد.

۳. اصل برائت و حق بر مجازات نشدن

۳-۱. در قوانین بین الملل

اصل برائت به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی های کیفری، جایگاه ارزشمندی در اسناد بین



المللی حقوق بشر دارد این اصل که از لوازم یک دادرسی عادلانه به شمار می رود دارای آثاری چون حق دفاع متهم، تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل، تفسیر شک به نفع متهم، تفهیم اتهام، حق انتخاب و کیل مدافع و دفاع، حق برخورداری از آزادی موقت، حق اختیار سکوت، حق جدایی متهم از محکوم هنگام بازداشت، حق بهره‌مندی از خدمات مترجم در صورت ضرورت و... می‌باشد که این آثار در اسناد منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر به خوبی به رسمیت شناخته شده‌اند و دول جامعه ملل متعهد به تامین آنها در قوانین موضوعه خود گشته‌اند. اصل برائت همان طور که متذکر شدیم در اسناد بین‌المللی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ ه.ق سازمان کنفرانس اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و سرانجام اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی همگی با وسواس خاصی بر این اصل تاکید می‌ورزند. به اسنادی که توسط سازمانهای بین‌المللی جهانی (نه منطقه‌ای) به تصویب ارکان صلاحیت دار آن سازمان رسیده و بین کشورها لازم‌الرعایه می‌گردد اسناد جهانی گویند. این اسناد بر خلاف اسناد منطقه‌ای که به تصویب سازمانهای خاص منطقه‌ای می‌رسد اختصاص به یک منطقه یا محل جغرافیایی نداشته و کلیه کشورها در صورت قبول مفاد معاهدات و ورود به نظام حقوقی‌شان باید آن را رعایت کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس پاریس بر اساس قطعنامه کمسیون حقوق بشر به تصویب رسید. این اعلامیه حقوق مدنی و سیاسی سنتی و حقوق اجتماعی و اقتصادی را برای کلیه انسانها به رسمیت شناخته است و ملهم از ترکیب نظریه آزادی در مفهوم غربی و آزادی در مفهوم سوسیالیستی آن است. این اعلامیه در بند ۲ ماده ۱۱ خود به اصل برائت می‌پردازد بر اساس بند ۲، ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. به همین ترتیب هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد. اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت واضح اصل برائت در بند ۱ ماده ۱۱ خود مقرر داشته است، تاکید اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد بر اصل برائت پس از جنگ جهانی دوم با توجه به تجربیات تلخ بشر که ناشی از بازداشت‌های دسته جمعی و اردوگاه‌های کار و مرگ در دوران فاشیسم در اروپا و تبدیل شدن مقوله مظنون به دشمن عینی و سلب آزادی از شهروندان به استناد نسخه نازی «جنایت محتمل» به جای مقوله «مظنون به خلاف» بوده است. جنگ جهانی دوم و اشغال اروپا توسط آلمان نازی و در بند کردن میهن پرستان و از جمله حقوقدانان و قضات سبب شد که پس از خاتمه جنگ نسبت به اصل برائت که در اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ فرانسه بهای لازمه به آن داده شده بود، توجه بیشتری مبذول گردد

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم شناختی

پلیس



به ویژه قضات که به علت مقاومت و یا عدم همکاری با اشغالگران به بند نیروهای متجاوز گرفتار و از نزدیک با زندان و محرومیت از حق دفاع آشنا شده بودند به این حقیقت ملموس که علاوه بر بزهکاران واقعی شهروندان بی گناه نیز ممکن است در مظان اتهامات ناروا قرار گرفته و به سرنوشت تبهکاران دچار شوند پی بردند بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است: «هر کس به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد». (آرنت، ۱۳۶۳: ۲۶۷).

۲-۳. در قوانین داخلی

الف) اصل برائت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی به انحاء مختلف حق بر مجازات نشدن افراد آمده است و این امر نشان از احترام والای قانون اساسی ایران بر کرامت انسانی افراد جامعه است، در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر اصولی که در آتی از آن‌ها نام خواهیم برد، اصل برائت ذکر شده است و برای نمونه اصل ۳۷ می گوید: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.

و اصل ۳۸ قانون اساسی نیز در مورد شکنجه کردن و اجبار به اقرار یا شهادت می گوید: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

همچنین اصل ۳۹ قانون اساسی در مورد هتک حرمت و حیثیت اشخاص می گوید: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده باشد ممنوع و موجب مجازات است.

همچنین دیگر اصول قانون اساسی همچون مواد ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ نیز بیانگر پذیرش آثار اصل برائت به شمار می روند که خود شاهدی بر حفظ آزادی و حقوق مدنی و کرامت انسانی و حق بر مجازات نشدن افراد است. در ادامه اصل برائت را در سایر قوانین مورد بررسی قرار می دهیم.

ب) اصل برائت در آیین دادرسی کیفری

در امور کیفری به این اصل اطلاق می شود که فرد بی گناه است، مگر آنکه جرمش اثبات شود. این اصل یکی از حقوق متهمان در دادگاه هاست و بسیاری از کشورها آن را به رسمیت می شناسند؛



بنابراین اثبات جرم بر عهده روند بازرسی حقوقی و قضایی (شاکی یا دادستان) است که باید شواهد کافی برای اثبات جرم فراهم آورد و در صورت عدم اثبات جرم، متهمان بری هستند و تبرئه می‌شوند.

در مواقعی که شخصی را به‌عنوان متهم به مراجع قضایی احضار نمود نباید آن را به‌عنوان مجرم نگاه کرد زیرا صرفاً اتهام می‌باشد و برای اثبات اتهام و مجرمیت وی باید دلیل کافی وجود داشته باشد، همچنین در تمام مراحل تحقیقات باید به حقوق آن احترام گذاشت، یکی از اصول اساسی حقوق افراد در جامعه اصل برائت می‌باشد که در موضوعات مختلف فقهی و حقوقی نقش مهمی در حقوق اشخاص دارد. یعنی اینکه در حالت عادی اشخاص، بری از هر اتهامی می‌باشند و در صورت ادعای مجرمیت آن‌ها باید اتهام را ثابت نمود، مفهوم اصل برائت در فقه و حقوق در بحث فقهی منظور از اصل برائت یا اصل البرائت این است که در مواردی که در حکمی شک کردیم، معتقد می‌شویم که در مقام عمل موظف به آن نیستیم. اما اصل برائت در حقوق کیفری مترادف کلماتی همچون، فرض بی‌گناهی یا برائت کیفری می‌باشد و بدین معناست تا موقعی که ثابت نشود شخص مرتکب جرمی شده باشد اصل بر برائت آن خواهد بود.

دلیل عقلی: در اصل عدم مجرمیت فرد متهم آن است که هر عقل سلیم وجدان بیدار، مؤاخذه شخصی را که هنوز علم به مجرمیت وی نداریم و فقط در مظان اتهام است قبیح می‌داند.

دلیل دیگر: بر حجیت اصل برائت اقامه نمود استصحاب حالت وضعیت متهم قبل از پیدایش اتهام می‌باشد یعنی اینکه شخص قبل از اتهام، شخصی بری و هیچ‌گونه عملی خلاف قانون انجام نداده است و اگر به آن شک نمودیم که مرتکب جرم شده است یا خیر همان سابقه قبلی و برائت او را استصحاب می‌کنیم و باید مجرمیت او را ثابت کرد.

همچنین طبق قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» در صورتی که شخصی علیه دیگری شکایت نمود اصل بر برائت آن شخص می‌باشد و برای اثبات ادعای خود باید دلیل بیاورد. مطابق اصل عدم: برای اثبات عدم نیازی به دلیل و برهان نیست و این اثبات وجود چیزی است که محتاج دلیل است..

در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار به صراحت تام برائت متهم را اعلام نموده است و هرگونه عملی که سالب آزادی و حریم خصوصی است را ممنوع کرده است مگر به حکم قانون که اصل برائت در این ماده به وضوح نمادی از ابزاری برای استیفا از حق بر مجازات نشدن است. همچنین کرامت و حیثیت اشخاص بسیار مهم می‌باشد که قانون‌گذار در این ماده آسیب به کرامت و حیثیت اشخاص را ممنوع نموده است. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی ورود به حریم



خصوصی اشخاص جز به حکم قانون با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند را ملزم به رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ نموده است.

ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری جدید تمام اشخاص را که در فرآیند دادرسی مداخله دارند را ملزم به رعایت حقوق شهروندی نموده است و برای متخلفان مجازات تعیین نموده است. قانون‌گذار در این ماده قانونی می‌خواهد که حقوق شهروندان را تضمین نماید. وفق مقرر فوق متخلفان را به مجازات مقرر ر ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ محکوم نموده است. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵: هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ در مورد اصل برائت متهمان مقرر می‌دارد: محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح ثابت نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار شود.

پ) اصل برائت در قانون آیین دادرسی مدنی

در قانون آیین دادرسی مدنی نیز در ماده ۱۹۷ چنین آمده: (اصل برائت است. بنابراین اگر کسی



مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد، باید آن‌ها اثبات کند). در خصوص اصطلاح اصل برائت که در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است، دو احتمال را می‌توان مطرح کرد.

احتمال اول اینکه واژه (برائت) به معنای اصولی آن یعنی برائت از تکلیف به کاررفته باشد؛ زیرا در حقیقت این ماده درباره شبهات موضوعی و جویی بحث می‌کند. در نتیجه، تا زمانی که اصل دین و تکلیف به پرداخت آن مورد تردید باشد، با اجرای اصل برائت تکلیف مشکوک منتفی خواهد بود.

احتمال دوم اینکه واژه (برائت) به معنای لغوی و عرفی آن یعنی آزادی و برائت ذمه به کاررفته باشد، نه معنای اصولی آن؛ زیرا در موارد شک در ثبوت دین یا شک در ضمان؛ اصل عدم دین و عدم ضمان جاری است و با اجرای این اصول نوبت به اجرای اصل برائت به معنای اصولی نمی‌رسد.

ت) اصل برائت در قانون مدنی

در قانون مدنی در بخش‌های مختلف قانون از جمله: در بخش ادله اثبات دعوا ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و در بخش ید امانی که اثبات تعدی و تفریط را بر عهده مالک قرارداد در مواد ۶۱۴ و ۶۳۱ و... همچنین در خصوص قیمت مال غصبی که تلف شده هرگاه میان غاصب و مالک اختلاف بشود با توجه به ماده ۳۱۲ قانون مدنی قیمت حداقل ملاک است.

۱- در بخش ادله اثبات دعوا با توجه به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی چنین تصریح شده است: (هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر بر عهده او است.) بنابراین هرگاه کسی مدعی شود طلبی از کسی دارد بدون آنکه سببی برای آن بیان کند، اما طرف مقابل منکر دین باشد، چون شک در وجوب ادا وجود دارد، اصل برائت اعمال می‌گردد، مگر آنکه مدعی دین بینه اقامه نماید که بر اصل برائت حاکم خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۱).

۲- هرگاه مالک در برابر مستعیر ادعای تعدی و تفریط نماید و قیمت مال تلف شده را درخواست کند و مستعیر منکر تعدی و تفریط باشد؛ اصل برائت به نفع مستعیر اجرا می‌شود. چراکه اصل بر عدم وجوب تکلیف بر عهده مستعیر است و تعدی و تفریط ایشان امری است که سبب آن باید مستقر بگردد تا ایشان را به پرداخت ملزم بسازد (همان، ص ۸۲) این امر در قانون از مواد ۶۳۱ و ۶۳۹ و ۶۲۴ و ۶۴۰ و... که بر طبق ماده ۶۴۰ قانون مدنی چنین تصریح شده است: (مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد مگر در صورت تعدی یا تفریط) بنابراین اثبات تعدی و تفریط بر عهده مالک است و مستعیر در درجه اول بدون بینه در پناه اصل برائت برئ الذمه



است.

۳- هرگاه مال مغضوب درید غاصب تلف شود و بر سر کم‌وزیادی قیمت، میان غاصب و مالک اختلاف باشد؛ اصل برائت اعمال می‌شود و مقتضای آن برائت ذمه غاصب از مقدار زائد خواهد بود (همان، ص ۸۲). در خصوص همین امر ماده ۳۱۲ قانون مدنی چنین تصریح کرده: (هرگاه مال مغضوب مثلی بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آن را بدهد.) در همین خصوص توجه به یکی از آرای دیوان عالی کشور در این زمینه، در بحث اختلاف در قیمت قابل توجه می‌باشد که چنین تصریح کرده: منظور از قیمت حین الاداء قیمتی است که در روز تأدیه برای آن مال بخصوص در بازار و عرف بازار متداول و معمول است و استدلال دادگاه مبنی بر اینکه تقاضای احتساب قیمت این اقلام بر اساس قیمت بازار آزاد متکی به دلیل قانونی نیست با مقررات قانون مدنی مطابقت ندارد و موجه نیست (مسیحی، ۱۳۹۲: ۸۸).

نتیجه گیری

قوانین داخلی و بین‌المللی و شرع مقدس اسلام رعایت حقوق متهمان و اصل برائت آن‌ها را مدنظر قرار داده است و در این خصوص قوانین مدون و مشخصی وضع گردیده است که همگی بر حفظ کرامت انسانی و حق بر مجازات نشدن افراد دلالت دارد لذا با توجه به پیشینه این اصل در فقه اسلامی و قبول این اصل در بین فقیهان اسلامی در نتیجه با تدوین قوانین در کشور ما این اصل به قوانین راه یافته و جایگاه ویژه و خاصی مخصوصاً در قانون پایه و اصلی ما یعنی در قانون اساسی در اصول مختلف آن داشته و همان‌طور که می‌دانیم سایر قوانین بر اساس فقه و قانون اساسی تدوین و تنظیم می‌گردد، با توجه به مطالب و پژوهش حاضر متوجه جایگاه بخصوص اصل برائت در قوانین جزایی شدیم که بسیار حائز اهمیت برای افراد و اشخاص جامعه در قبال حفظ کرامت انسانی و تضمین حقی برای مجازات نشدن می‌باشد چراکه اصل برائت به‌مانند چتر و محافظ آبرو جایگاه انسان‌ها در اجتماع می‌باشد و هیچ ادعایی بدون دلیل قابل پذیرش نمی‌باشد، تا آبروی افراد مورد خدشه قرار گیرد، همچنین در قوانین حقوقی ایران این اصل جایگاهی برای عدم مطالبه مالی افراد از یکدیگر داشته و ادعاهای بدون دلیل را با پاسخ قاطع اصل برائت پوشش داده است. بنابراین نقش اصل برائت در قوانین ایران جهت حفظ منزلت و کرامت انسانی از جایگاه والایی برخوردار است.

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم‌شناختی

پلیس



تشکر و قدردانی

تقدیم به خداوندگاری که درهای دانش را بر ما گشود و عمری دوباره به ما عنایت فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید و تقدیم به مولایم امام علی (ع) که می‌فرماید بهترین عدالت یاری مظلوم است. و سپاس وافر از تمامی عزیزانی که در راستای نگارش این پژوهش مارا یاری نمودند.

فصلنامه علمی

پژوهش‌های

جرم شناختی

پلیس



منابع

قرآن مجید

- آشوری، محمد و دیگران (۱۳۸۳). **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، عدالت و انصاف**. تهران: گرایش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). **ترمینولوژی حقوق**. چاپ ششم. تهران: گنج دانش.
- حیدری، علی نقی (۱۴۱۲). **اصول الاستنباط**. چاپ اول. قم: الجئه اداره الحوزة العلمية بقم المقدسة.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۷۸). **کرامت انسانی در حقوق کیفری**. چاپ اول. تهران: میزان.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴ق). **المحصول فی علم الاصول**. جلد دوم. چاپ اول. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سرمست بناب، باقر (۱۳۸۷). **اصل برائت در حقوق کیفری**. چاپ اول، تهران: دادگستر.
- شیخ طوسی، بی جعفر محمد بن الحسن الطوسی (بی تا). **عده الاصول**، جلد دوم. قم: نشر اسلامی.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۳۸۳). **مطاره الانظار**. جلد یک. قم: مجمع الفکر الإسلامي
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳). **اصل برائت و موارد عدول از آن؛ علوم جنایی (مجموعه مقالات تجلیل از دکتر محمد آشوری)**. چاپ اول. تهران: سمت.
- طباطبایی حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸). **الاصول العامة للفقہ المقارن**. جلد دوم. چاپ اول. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- فجرى، علیرضا (۱۳۹۳). **اصل برائت کیفری**. دانشنامه پژوهشکده باقرالعلوم.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید (۱۳۹۳). **اصول فقه کاربردی**. جلد سوم. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۶). **مباحثی از اصول فقه**. جلد سوم. چاپ چهارم. تهران: نشر علوم اسلامی.
- مسیحی، مهرزاد (۱۳۹۲). **قانون مدنی به همراه آراء وحدت رویه و نظرات مشورتی**. چاپ چهارم. تهران: خرسندی.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۶). **تحریر المعالم**. چاپ دوم. قم: نشر مطبوعه.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۸). **مبانی استنباط حقوق اسلامی**. چاپ سی و سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). **فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول**. چاپ ششم. تهران: نشر نی.

فصلنامه علمی

پژوهش های

جرم شناختی

پلیس